

شرکت ولیعهد بریتانیا در انتخابات مجلس شورای اسلامی

contact@korosherfani.com

کوروش عرفانی

اتفاقاتی که در روزهای اخیر در ایران می گذرد تعیین کننده تحولاتی مهم در آینده خواهد بود. برای روشن شدن قضایا بهتر است چند مورد خاص را مورد نظر قرار دهیم :

1 – جریان «اصلاح طلب» که به عنوان حافظ امنیت حاشیه ای نظام عمل می کرد به کنار گذاشته می شود.

2 – انتخابات با تمام وجه مفتضحانه ی خود، برگزار خواهد شد تا مجلس را به دست اکثریت جدید بسپارد. مجلسی که قرار است منشاء تغییراتی جدی در چهار سال آینده باشد.

3 – سه هفته ی پیش، حسن روحانی در دیدار خود با مقامات بلند پایه ی فرانسه به آنها قول داد بازارهای ایران را به سمت اقتصاد اروپا باز کند. مشروط بر اینکه دولت فرانسه بحران در حال شکل گیری را «بفهمد». فرانسه فهمید.

4 – در یک معامله ی بی سابقه، دهها اسیر لبنانی به ازای چند جسد سربازان اسرائیلی و یک بازرگان یهودی مبادله شدند. ایران و آلمان گردانندگان اصلی این معامله بودند. آشتی کنان چنان به دهان هر چهار طرف شیرین آمد که وزیر امور خارجه ی ایران پیامهای علنی و آشکار برای دولت اسرائیل فرستاد و آریل شارون شخصا به آنها پاسخ داد. آلمان همچنان به وظیفه ی مهم پا اندازی منطقه ای خود ادامه می دهد.

5 – همزمان با این همکاری آشکار میان دو دولت «دشمن» جمهوری اسلامی و اسرائیل، به سفارش لوبی یهود، دولت آمریکا فتیله ی انتقادات و تهدیدات خود نسبت به حکومت «تروریست پرور» و عضو «محور شرارت» را به شدت کاست. بطوریکه گردانندگان نظام بتوانند بدون دردسر «جراحی» ساختار حکومت را با «تبر» به پایان برند.

6 – در همین ایام، رسانه های کشورهای که حفظ نظام را به هر قیمتی می خواهند به حمایت غیر مستقیم از جناح راست در جریان قتل عام انتخاباتی آن پرداختند. آش چنان شور شده بود که تشکل های دانشجویی وابسته به دوم خردادها با انتشار نامه های سرگشاده از سیاست حمایت گری اتحادیه اروپا از محافظه کاران ایران انتقاد کردند.

7 – روز یکشنبه 19 بهمن به ناگهان محمد خاتمی از مراسم یک جشن مذهبی یهودیهای ایران سر در آورد. صحبت های وی در تجلیل از یهود و یهودیت آنچنان بود که بعید می بود اگر شخص آریل شارون می خواست اینقدر بابت خدمات یهودیان منت بر سر ایرانیها بگذارد می توانست به خوبی محمد خاتمی انجام وظیفه کند. صحبت های وی قاعدتا باید امنیت دیپلماتیک نظام را در صحنه ی سیاسی در ماههای آینده تضمین کند. این واقعیتی است که وقتی شارون و دوستانش از حکومت کشوری راضی باشند آن حکومت نگرانی چندانی بابت «داستانهای کاذبی» مثل نقض حقوق بشر، نبود آزادی، خفقان، سرکوب و امثال آن نخواهد داشت.

8 – پرنس چارلز ولیعهد بریتانیا نیز که در حال بازدید از مناطق تحت استعمار انگلستان در خاورمیانه بود پس از سرکشی به بصره وارد مستعمره ی دیگر خود شد تا به بهانه ی دیدار از بم دستورات لازم برای سازماندهی حکومت دست نشانده ی خود را پس از پایان انتخابات آتی صادر کند.

9- در آمریکا یکی از کاندیداهای دمکراتها به نام «جان کری» از بالاترین شانس برای تبدیل شدن به کاندیدای اصلی و به احتمال زیاد پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری برخوردار است. وی چندی پیش در مصاحبه ای ضمن تشریح برنامه های خود در زمینه سیاست خارجی اعلام داشته است که در رابطه با ایران مذاکره ای مستقیم با حکومت ایران را در پیش خواهد گرفت تا از یکسو از ایران بخواهد در باره ی ورود مواد مخدر از افغانستان سخت گیری کند و در مقابل آمریکا مجاهدین را از عراق بیرون خواهد راند.¹

10- در همین روزها ماموران ضد شورش رژیم که با سرعتی بسیار بیشتر از کمک رسانی به زلزله زدگان بم به کرمان فرستاده شده بودند عده ای از متقاضیان کار در خاتون آباد شهر بابک را به دلیل یک تجمع اعتراضی به گلوله بستند.

اگر این ده واقعه را که در ظاهر ارتباط چندانی هم ندارند کنار یکدیگر بگذاریم می بینیم که از دل آن، چارچوب هنوز مبهم، اما قابل مشاهده ی یک سناریو برای آینده ی کشورمان بنا می شود. این سناریو از دل برخی بدیهیات بیرون می آید :

الف) جمهوری اسلامی در شکل و وضعیت فعلی خود راه حلی برای مشکلات عمده ی اجتماعی و اقتصادی کلان کشور ندارد. این مشکلات تنها به همت سرمایه گذاریهای کلان خارجی می تواند راه خروجی بیابد. اما این جلب سرمایه نباید از طریق همسویی با کنترل بخش خصوصی صورت بگیرد. زیرا در این صورت، منافع سرمایه داری سنتی، که جناح راست رژیم را تشکیل می دهد، به شدت آسیب خواهد دید. پس این امر باید توسط دولت و تحت نظر راستها باشد که بر این سرمایه گذاریها خوب نظارت کنند. از همین روی، لازم است تا جناحهای مزاحم از صحنه دور شوند. کاری که شروع شده است تا قدرت به انحصار راستها درآید. بحران انتخابات کنونی به نوعی نمادی است از تضاد بین سرمایه داری نوپای بیرون دولتی و سرمایه داری سنتی درون دولتی.

ب) در صحنه ی داخلی در صورتی که این مشکلات عدیده ی اقتصادی و اجتماعی و از جمله بیکاری، به سمت حاد خود رود، بهتر است رژیم از بافت یکدست و هماهنگ برخوردار باشد تا در انتخاب روش برخورد با شورش ها ی اعتراضی، اختلاف نظر وجود نداشته باشد. این ضرورت، خروج حاکمیت از شکل چند جناحی را توضیح می دهد. مسئولیت این کار هم به عهده ی شورای نگهبان گذاشته شده است و از همین انتخابات، این کار آغاز شده و تا انتخابات ریاست جمهوری آینده، که حدود یکسال و چهارماه دیگر است، ادامه خواهد یافت.

پ) در صحنه ی خارجی نیز باید فشار خاص و عمده ای از جانب آمریکا، اروپا و بخصوص اسرائیل نباشد تا دست رژیم در سرکوبهای خونین و خفقان آفرینی پیش بینی شده کاملاً باز باشد. چند مورد از تلاشهای رژیم در این باره را در موارد ده گانه ی بالا دیدیم.

سناریوی پر نکبت و محتمل

بدین گونه آنچه به عنوان یک فرضیه قابل پیش بینی است چنین می تواند باشد :

- در 22 بهمن امسال، باز صحبت از «راهپیمایی همیشه میلیونی امت حزب الله» خواهد شد. در زمانی که میلیونها جوان ناراضی در خواب هستند و یا به تماشای یک «فیلم با حال» و یا « یافتن دوست دختر از طریق پالتاک» مشغول هستند، رژیم بار دیگر دهها هزار انسان گمراه و فریب خورده و محتاج را به عنوان «امت اسلامی» به خیابانها می ریزد و به هلی کوپترهای

¹ <http://iranfilter.com/link.php/281>

صدا و سیما سفارش می کند چند تصویر که بتوان به تصاویر سالهای قبل پیوند زد برایش تهیه کند. بعد هم خبر آنرا به مدت یک هفته از همه ی وسایل ارتباط جمعی پخش می کند تا زمینه را برای تکرار این «حماسه» ی قلبی در روز انتخابات 1 اسفند آماده سازد.

- در روز انتخابات، چند صد هزار نفر از این «سربازان گمنام امام زمان» را از شهر و روستاهای دور و نزدیک به تهران می آورد و چند صحنه از صفهای طویل که محل آنها نیز از حالا تعیین شده است را فیلم برداری کرده و در شبکه ی جام جم خارج از کشور به نمایش می گذارد؛ چون با داخل که اصولاً مشکلی ندارد. آنها بارها اظهار داشته اند که با پنج درصد افراد موافق جامعه هم قادر به حکومت هستند. صد البته تا زمانی که مردم در انفعال بسر می برند از این پنج درصد، چهار درصدش زیادی هم می باشد. به هر حال، پس از این نمایش تهوع آور، خاتمی و کروبی از «احساس مسئولیت مدنی ملت با شعور ایران» تشکر گرم به عمل خواهند آورد. خامنه ای خواهد گفت که مردم به «وظیفه ی شرعی و قانونی خود» خوب عمل کردند و رفسنجانی نیز از «شکست دندان شکن توطئه گران» صحبت خواهد کرد. بدین ترتیب هنگامی که در مناطق مختلف کشور، مردم، بنا به وضعیت مالی خود، مشغول خوردن میگو و بوقلمون یا مرغ یا ماکارونی و یا سیب زمینی یا نان و آبگوشت بدون گوشت هستند، مجریان زشت صدا وید سیمای «صدا و سیمای» جمهوری اسلامی خبر شرکت انبوه و بی نظیر «مردم» نرفته به پای صندوق های رای را خواهند داد و این «حماسه» نیز بر «حماسه های» دیگر نظام اسلامی اضافه خواهد شد.

- بعد از این که آب انتخابات از آسیاب افتاد، باز «اصلاح طلبان سابق» قدری غر می زنند و اروپاییان نیز ضمن «ابراز ناخرسندی خود از وقایع قبل از انتخابات»، اعلام می کنند که «به نتایج انتخابات احترام خواهند گذاشت.» آمریکا نیز ترجیح می دهد چشم بر این ماجرا ببندد تا شاید بتواند از طریق ایرانیان با شیعیان ناراضی عراق طوری کنار بیاید و مانع از برقراری یک جمهوری اسلامی شیعی در عراق شود. البته بعید است که «جان کری» با برقراری یک جمهوری اسلامی سوم در خاورمیانه مخالف باشد. بدین ترتیب در طول بیست و شش سال، از زمان کنفرانس گوادلوپ که کارتر به سفارش لویی یهود، طرح رها کردن شاه و حمایت از خمینی را به اروپاییان قبولاند، ایالات متحده موفق شده است دست کم سه جمهوری اسلامی در کشورهای ایران، افغانستان و عراق بوجود آورد. تا چهارمی که باشد.

- به ایران برگردیم، بعد از انتخابات، پرونده های فساد و رشوه خواریهای شخصیتهای «اصلاح طلب» که تاکنون تحمل می شد دوباره رو می آید و شهرام جزایری ها شروع به افشاءگریهای آنچنانی درباره ی دزدهای اصلاح طلبان سابق خواهند کرد. هم زمان، مجلس هفتم چند تا قانون دل خوش کن برای مردم فقیر و گرسنه تصویب می کند تا به عنوان مسکن عمل کند. شورای نگهبان هم در تایید این قوانین تعجیل خواهد کرد. همان موقع که مردم غرق شادی این قوانین گذرا هستند دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی، شکار وسیع مخالفان را آغاز خواهند کرد و از فضای موجود در آن زمان برای قلع و قمع آخرین پایگاههای مقاومت جوانان و دانشجویان استفاده خواهند کرد. مردم که با شیرینی قوانین جدید در حال فراموش کردن تلخی انتخابات قلبی هستند بتدریج شاهد فرا گرفتن آسمان کشور توسط ابرهای سیاه سرکوب جدید خواهند بود.

- تا مردم بیایند متوجه ناپدید شدن وسیع جوانان و دانشجویان و مخالفین شوند، خیر پر سر و صدای برقراری روابط ایران و آمریکا اعلام خواهد شد و اینکه این روابط چه نتایج درخشانی بر اقتصاد کشور خواهد داشت. این بار نیز با نشان دادن در باغ سبز رابطه با آمریکا و وعده ی سرازیر شدن سرمایه های آمریکایی به کشور مردم را خواب می کنند تا بی سرو صدا سر فرزندان مبارز و دلاورش را ببرند.

- تا آن زمان وقت انتخابات ریاست جمهوری فرا می رسد. نمایشی جدید. خاتمی باز با ارائه یک کمیدی درام مرکب از خنده و گریه صحنه را ترک کرده و قدرت را در اختیار همکاران خود

می گذارد و البته، به پاس خدمات هشت ساله ی خود به حفظ نظام، از جانب رهبر به مقامی منصوب می شود تا همچنان در سنگر بهترین مدافعان بماند.

- رئیس جمهور جدید نیز ، هر که باشد، با چند اقدام آنچنانی دهان مردم گرسنه را آب انداخته و این فکر را از بین می برد که دیگر حتی چیزی به اسم انتخابات، حتی به شکل نمایشی آن ضرورتی دارد. این پروژه البته بعدها که رژیم نفس جامعه را خوب برید در قالب تبدیل جمهوری اسلامی به «خلافت اسلامی» مطرح خواهد شد. به موقعش، فعلا قدری زود است.
- با اظهار علاقه ی آمریکا به سرمایه گذاری در ایران، رقابت اروپا بالا خواهد گرفت و اروپاییان و آمریکاییها هر دو برای جلب نظر بیشتر نظام اسلامی، که در ضمن از نفوذ مهمی در جمهوری اسلامی عراق نیز برخوردار خواهد بود، تلاش می کنند تا کادوهای جذابتری به رژیم هدیه دهند. برای این منظور نیز چه چیزی بهتر از قربانی کردن مخالفان رژیم در پای بت پول و سرمایه در اختیار رژیم خواهد بود؟ فراموش نکنیم که مجموع درآمدهای اضافه ی دولت جمهوری اسلامی از قبل افزایش قیمت نفت به بیش از هفت میلیارد دلار می رسد. برای این پول و نیز برای قراردادهای جدید و بدست آوردن بازارهای آینده ی ایران، آمریکا و اروپا به قلع و قمع اپوزیسیون ایرانی در عراق، در اروپا و در آمریکا خواهند پرداخت.
- در سایه ی این ضربه ی بیرونی از یکسو و سرکوب و اختناق در داخل، خطری به نام اپوزیسیون سرنگون طلب یا قیام سرنگون ساز برای دراز مدت در ایران محو خواهد شد.

خوابهای چینی رژیم

همه ی این اقدامات باید اجازه دهد آنچه را که در ایران از آن به عنوان الگوی حکومت گری چینی نام می برند، آن هم از نوع ایرانی - اسلامی اش، در کشورمان پیاده شود. این الگو دارای سه محور است: 1- خفقان سیاسی 2- آزادی های اجتماعی و 3- رشد اقتصادی. جمهوری اسلامی، بعد از انتخابات، در رابطه با مورد اول البته با جدیت کامل عمل خواهد کرد. مورد دوم بسیار محدود خواهد بود و تنها نقش سوپاپ خروج اعتراضات را خواهد داشت و مورد سوم نیز به معنای کاملا نسبی کلمه خواهد بود و به هیچ عنوان شباهتی به مورد چین نخواهد داشت. نه رهبران رژیم شعور اقتصادی رهبری چین را دارند و نه ایران، زیربنای اقتصادی و دانش فنی این کشور را داراست.

به هر حال در دهه ی آینده، رژیم در پی شکل دادن به جامعه ای است که ویژگیهای زیر را دارد:

- مردم نباید به کارهای سیاسی بپردازند.
 - نان بخور و نمیر اکثریت جامعه تامین خواهد شد.
 - فساد و عیاشی و هرزگی و ابطال عمر با حفظ ظواهر اسلامی آزاد است.
 - تنها مشغولیت اصلی مردم باید کسب درآمد اقتصادی باشد.
 - همه ی ملت باید دعاگوی جان نظام ولایت فقیه باشد و در غیر این صورت سر از جایی بیرون می آورند که حتی بازرسان کمیسیون ویژه ی حقوق بشر هم ردی از آنها نداشته باشند.
- در سایه ی این شرایط، نظام اسلامی امیدوار ست که بتواند بیست و پنج سال آینده ی خود را نیز تضمین کند. زیرا چنانچه می دانیم رهبران فعلی کم کم پیر و باز نشسته می شوند و در دو دهه ی آینده، بسیاری از مسئولیت های را به آقا زاده ها خواهند سپرد تا ایشان به بقای حاکمیت امام زمان مشغول شوند. البته تفاوت کوچکی که آقا زاده ها با پدرانشان خواهند داشت این است که آنها کمتر از داخل ایران و بیشتر از ویلاها و شهرکهای محافظت شده ی خود در کانادا، استرالیا، بریتانیا و به زودی آمریکا به حکومت گری بر میهن اسلامی خواهند پرداخت. خلاصه اینکه میلیاردیهای ایرانی می توانند از بابت آینده ی درخشان خویش اطمینان داشته باشند و فقرای کشور نیز بهتر است از حالا به فکر باشند فرزند کمتر ی بدنیا آورند، چرا که داستان فقرشان داستان نسل ها خواهد بود.

احتمال و واقعیت

آنچه آمد البته سناریویی بیش نیست، سناریویی که شاید برخی آنرا بیش از حد سیاه ببینند. اما ما در باره ی شانس تحقق آن قضاوتی نمی کنیم و قضاوت را به خوانندگان می سپاریم تا بر اساس وقایع ماههای آینده خود در این باره نظری داشته باشند.

لیکن آنچه در حال حاضر نیز از بابت آن اطمینان بالای وجود دارد این است که تا زمانی که در میان مردم سقف تحمل پذیری استبداد، فقر و خفقان به این آسانی بالا و پایین بردنی باشد، در مقابل چنین سناریویی و شاید حتی در مقابل سناریوهایی سیاهتر از آن هم، واکنشی نشان ندهند. زمانی که کمترین مقاومت جمعی در مقابل این همه ستم و ظلم و اجحاف وجود ندارد، برآستی چرا نظریه پردازان و تصمیم گیرندگان رژیم باید در مورد هر گونه اقدام ضد مردمی و ضد ملی دست خود را کاملاً باز نبینند.

زمانی که اپوزیسیون، این گونه متلاشی و عقب افتاده و فرسوده است، هنگامی که میلیونها ایرانی مخالف رژیم، دچار تفرقه و بی اعتمادی و انفعال انزوا آفرین هستند، برآستی چه چیزی باید این رژیم سفاک را از اجرای طرحهایی به مراتب سیاهتر از این مانع شود؟ چه خطری او را تهدید می کند زمانی که خاتمی در کمتر از 24 ساعت، اظهار ارادت نظام اسلام ناب محمدی را خدمت اربابان صهیونیسم جهانی و روباه پیر استعمار بریتانیا نمایان می سازد؟ برآستی کجاست منبع و منشأ نگرانی نظام؟ توده های مصمم آماده ی قیام؟ جوانان مبارز و سازماندهی شده ی آماده ی طغیان؟ ارتش آزادیبخش آماده ی اقدام؟ اپوزیسیون متحد و خطر آفرین؟ مخالفت جدی و عملی جهانی؟ کدامیک از اینها موجود است تا رژیم را از این فکر باز دارد که جامعه را به وضعیت ده سال قبل خود باز گرداند؟

باید قبول نماییم که تا زمانی که با مقوله ی مبارزه برخورد جدی و زیربنایی نکرده ایم این داستان شوم و این نکبت تاریخی همچنان ادامه خواهد یافت. مبارزه کار چند ساعت در ماه یا سال نیست، پدیده ای است که قانونمندیهای خود را دارد و تنها از انسانهایی ساخته است که آمادگی پذیرش ننگ زندگی در زیر قید و بند استبداد و استثمار را نداشته باشند. تا زمانی که جمع کثیری از ایرانیها با این نگرش وارد کار مبارزه نشوند وضعیت تغییری کیفی نخواهد کرد. شاید به دلیل فرسودگی و مسخ شدگی، چنین نیروهایی دیگر نزد نسل های قبلی یافت نشود، پس این وظیفه نخست به عهده ی جوانان است که برای تغییر شرایط تاریخی وجود خود، برای پایان دادن به برده سالاری رژیم اسلامی اقدام کنند.

بار دیگر یاد آور شویم که مبارزه فقط حرف و گفتار و شعار نیست، مبارزه تنها درست کردن سایت و نشریه و برنامه ی تلویزیونی نیست؛ تا زمانی که ایرانیان مخالف رژیم پشت کامپیوترها و تلویزیونهای ماهواره ای خود نشسته اند هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. تا زمانی که تغییر طلبی تنها شعار و آرزو باشد خبری نخواهد شد. اینها تنها قسمتی از کار است. اما بخش اصلی مبارزه زمانی است که دلیرانه در صحنه به نبرد با جنایتکاران و مامورانشان همت گماریم. آیا اگر یک بازوی مسلح مردمی وجود می داشت باز رژیم اینگونه آسان در خرداد 82 بیش از 4 هزار نفر از جوانان مبارز را تار و مار می کرد و اینگونه چند هموطن مظلوم متقاضی کار را در شهر بابک، به گلوله می بست؟

رژیم آخوندی تا زمانی دوام خواهد آورد که ما بخواهیم.

* *